

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

موضوع تحقیق:

پژوهشی در باب واژه خشیت

گردآوری: الهام اوستادی

استاد راهنما: سرکارخانم دکتر محمودزاده

زمستان 1396

واژه شناسی

معنای لغوی خشیت

خشیت در نزد اهل لغت به معنای خوف و ترس است.^۱ و برخی آن را به معنای ترس شدید گرفته‌اند.^۲

معنای اصطلاحی خشیت

خشیت در اصطلاح قرآنی به معنای ترس همراه با تعظیم است، از همین جهت در بسیاری از آیات قرآن خشیت به عالمان اختصاص داده شده است.^۳ مانند آیه «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ»^۴ حقیقت چنین است، از میان بندگان خدا تنها دانشمندان از او می‌ترسند.

کاربرد قرآنی

ماده «خشی» ۴۸ بار در قرآن کریم به کار رفته است که گاهی در خشیت‌های مذموم مانند: «فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ»^۵ کسانی را که در دل‌هایشان بیماری است. می‌گویند: می‌ترسیم حادثه‌ای برای ما اتفاق بیفتد و گاهی در خشیت‌های ممدوح مانند: «إِلَّا تَذْكِرَةً لِّمَنْ يَخْشَى»^۶ آن را فقط برای یادآوری کسانی که (خدا) می‌ترسند نازل ساختیم.» استفاده شده است، در برخی از آیات نیز از هر دو خشیت یاد شده است، تعداد این آیات به ۷ عدد می‌رسد، مانند آیه: «الْيَوْمَ يَنْسَى الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ»^۷ امروز، کافران از (زوال)دآیین شما، مأیوس شدند. بنابراین، از آنها نترسید! و از (مخالفت) من بترسید!

از بررسی کاربردهای مختلف واژه خشیت در قرآن به دست می‌آید که در پاره‌ای موارد، متعلق آن اموری غیر از خدا و شئون الهی است، همانند آیات نساء/سوره ۴، آیه ۲۵؛ توبه/سوره ۹، آیه ۲۴؛ کهف/سوره ۱۸، آیه ۸۰؛ طه/سوره ۲۰،

^۱ - لسان العرب، ج ۱۴، ص ۲۲۸ .

^۲ - مفردات راغب، ج ۱، ص ۱۴۹ .

^۳ - فاطر/سوره ۳۵، آیه ۲۸ .

^۴ - نساء/سوره ۴، آیه ۲۵ .

^۵ - مائده/سوره ۵، آیه ۵۲ .

^۶ - طه/سوره ۲۰، آیه ۳ .

^۷ - مائده/سوره ۵، آیه ۳ .

آیه ۹۴؛ ولی کاربرد اصلی و متعلق خاص آن خدا و شئون الهی است که از آن به کاربرد دینی این واژه تعبیر می‌شود. براساس آیات قرآن مؤمنان سزاوارند که فقط از خداوند خشیت پیشه کنند، همچون آیه ۱۳ سوره توبه و به کفار نباید خشیت ورزید، (بقره/سوره ۲، آیه ۱۵۰ و مائده/سوره ۵، آیه ۳). اهل خشیت در زمره کسانی‌اند که امید هدایت‌شدنشان هست، (توبه /سوره ۹، آیه ۱۸). قرآن ذکر و یادکردی برای آنان است، (طه/سوره ۲۰، آیه ۳). چنان‌که پوستشان از خواندن آن به لرزه می‌افتد، (زمر/سوره ۳۹، آیه ۲۳). و چون خشیت ثمره معرفت است، (رعد/سوره ۱۳، آیه ۱۹۲۱ و رعد/سوره ۱۳، آیه ۱۹۲۱). این اهل خشیت‌اند که تذکار به یکتایی خدای آفریننده و مخلوقیت عالم را می‌پذیرند، (اعلی/سوره ۸۷، آیه ۱۰) و پیامبر آنان را هشدار می‌دهد، (فاطر/سوره ۳۵، آیه ۱۸ و یس/سوره ۳۶، آیه ۱۱). آمرزش و پاداشی بزرگ نصیب اهل خشیت خواهد شد، (ملک/سوره ۶۷، آیه ۱۲). آنان رستگار شده (نور/سوره ۲۴، آیه ۵۲) و در بهشت جاودان خواهند آرمید. (بینه/سوره ۹۸، آیه ۸). به‌جز خداوند، از روز قیامت هم باید خشیت پیشه کرد. (لقمان/سوره ۳۱، آیه ۳۳ و نازعات/سوره ۷۹، آیه ۴۵). تکبر، صفت و خصلت مقابل خشیت است لذا در قصص راجع به موسی و فرعون، موسی فرعون را به خشیت ورزیدن دعوت می‌کند (نازعات/سوره ۷۹، آیه ۱۹) و حتی خدا به موسی و برادرش هارون فرمان می‌دهد که با فرعون به نرمی سخن بگویند شاید وی تذکار پذیرد یا خشیت پیشه کند. (طه/سوره ۲۰، آیه ۴۴).

اهمیت خشیت ممدوح

قرآن کریم می‌فرماید: «سَيَذْكُرُ مَنْ يَخْشَى»^۱ و بزودی کسی که از خدا می‌ترسد متذکر می‌شود. خداوند در این آیه به همراه آیات قبل و بعدش معیار پند گرفتن از قرآن و رستگاری و عدم آنها را خشیت قرار می‌دهد و آنچه معیار بین سعادت و شقاوت انسان باشد بر اهمیت‌ترین مسئله زندگی اوست. بنابراین اهمیت خشیت به این است که در مسیر سعادت قرار گرفته است، به عبارت دیگر خشیت پیامد علم به خداوند است و مقدمه تکان خوردن قلب انسان برای تصمیم‌گیری جدی در جهت زندگی الهی.

^۱ - اعلی/سوره ۸۷، آیه ۱۰.

عوامل خشیت

برای خشیت (البته به معنای ممدوحش) عوامل زمینه‌ساز بسیار ذکر شده است که برای نمونه به برخی از آنها

اشاره می‌کنیم:

1- علم: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» حقیقت چنین است، از میان بندگان خدا، تنها دانشمندان از او می‌ترسند. خداوند در این آیه و آیات مشابه عامل اصلی خشیت را علم می‌داند و خشیت را نتیجه علم و شناخت خداوند می‌شمارد.^۱

2- آیات قرآن: «لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا» اگر این قرآن را بر کوهی نازل می‌کردیم، می‌دیدیم که در برابر آن خاشع می‌شود» این آیه نشان می‌دهد که رسیدن به حدّ خشیت و پروا داشتن از خدا منوط به تلاوت و فهمیدن آیات قرآن است، پس اگر این آیات بر کوه نازل می‌شد می‌هراسید و می‌شکافت.^۲

3. ایمان و عمل صالح: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ... ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ» کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند... و این (مقام اولای) برای کسی است که از پروردگارش بترسد! در این آیات خداوند ایمان و عمل صالح را جزء اسباب خشیت می‌داند و سعادت اخروی را نتیجه آن می‌شمارد.

تفاسیر علمای مختلف از خشیت

نظر علامه طباطبائی

به گفته علامه طباطبائی مراد از «علما» در این آیه خداشناسان (الْعُلَمَاءُ بِاللَّهِ) است یعنی کسانی که به خداوند از حیث اسما و صفات و افعال معرفت دارند و این امر دل‌های آنان را آرام می‌کند و شک و ناآرامی را می‌زداید و آثار آن در

^۱- تفسیر نور، ج ۹، ص ۴۹۵.

^۲- تفسیر هدایت، ج ۱۵، ص ۳۰۳.

اعمال آنان پیداست؛ منظور از «خشیت» در این آیه نیز خشیت کامل و حقیقی است که به تبع آن درون آنان خاشع و برونشان خاضع می‌گردد.

دیدگاه ایزوتسو

در بررسی خود در باب کاربردهای واژه خشیت، مخصوصاً آیه ۴۹ سوره انبیاء، به این نتیجه رسیده که این واژه دقیقاً مترادف تقوا به کار رفته است. مفسران، ذیل آیات راجع به خشیت، به بررسی ابعاد مختلف این صفت و حالت پرداخته‌اند. درباره آیه ۲۸ سوره فاطر مبنی بر این که از میان بندگان خدا فقط عالمان به او خشیت می‌ورزند (إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ)، گفته شده منظور این است که هیچ‌کس، چنان که سزاوار است، از خداوند بیمناک نمی‌شود و از معاصی پرهیز نمی‌کند به جز عالمان که حقیقتاً به این مطلب وقوف دارند اما جاهلان و کسانی که خدا را نمی‌شناسند از او بیمناک هم نمی‌شوند، همچنین تنها عالمان به حجت‌ها و دلایل الهی نظر می‌کنند و در آنچه آنان را به معرفت وی رهنمون می‌شود به تفکر می‌پردازند.

نظر شیخ طبرسی

طبرسی یادآور شده است که خداوند عالمان را به‌طور خاص ذکر کرده چون بیش از جاهلان از عقوبت الهی حذر می‌کنند چرا که آنان به توحید و عدل معرفت دارند و بعث و نشور و بهشت و دوزخ را تصدیق می‌کنند.

دیدگاه قرطبی

قرطبی مراد از علما در این آیه را کسانی می‌داند که از قدرت الهی می‌هراسند به این معنی که هرکس به قدرت خداوند علم داشته باشد، به عقوبت وی بر معاصی یقین پیدا می‌کند.

دیدگاه فخر رازی

فخر رازی ذیل آیه ۳۱ سوره بقره، ضمن بحث درباره فضل علم، به آیه ۲۸ سوره فاطر نیز پرداخته است. به نوشته وی در این آیه به چند وجه فضیلت علم استدلال شده است: پاداش اهل خشیت، بنابر آیه ۸ سوره بینه، بهشت است و علما اهل خشیت‌اند. از جمع این دو آیه به دست می‌آید که اهل علم بهشتی‌اند و خشیت از خدا حاصل

3. خوف هم از ناحیه مکروه (هر آنچه ناخوشایند انسان است) حاصل می‌شود و هم از ناحیه کسی که ممکن است این مکروه را به آدمی برساند، هم گفته می‌شود: من از مرض خوف دارم، و هم گفته می‌شود من خوف دارم از این که فلان چیز مریضم کند، به خلاف خشیت که تنها از آورنده مکروه و شر است، نه از خود مکروه^۱ بنابر آن چه که گذشت درباره حقیقت خشیت در اصطلاح قرآنی باید بگوئیم خشیت به معنای ترس از مسئولیت‌هایی است که انسان در برابر خداوند دارد، ترس از این که در ادای رسالت و وظیفه خویش کوتاهی کند.

از تفاوتی که میان خوف و خشیت می باشد می توان معنای دقیق تری از خشیت را تبیین کرد. اهل معنا برای خوف و خشیت فرقی قائل شده اند و گفته اند که خوف آن تالم و ناراحتی نفس از عقاب متوقع به سبب عمل کردن به منہیات و ارتکاب جرایم و کوتاهی کردن در طاعات می باشد. و این حالت خوف برای بسیاری از مردم رخ می دهد اگر چه آن مراتب اعلی و درجات والای آن تنها برای گروهی اندک حاصل می شود.

اما خشیت حالتی است که درگاه احساس عظمت خالق و هیبت و کبریای او و ترس از دور ماندن و در حجاب ماندن از آن حضرت حاصل می شود. (وقتی عظمت و بزرگی یک وجود را چنان درک کنیم که احساس حقارت و ناچیزی خود را در جنب آن ببینیم این حالت درک عجز و ناچیزی خود در برابر عظمت و بلند یک حقیقت را خشیت می گویند).^۲

به نظر میرسد بهتر باشد در این مجال تفاوت میان کلمات «خوف»، «خشیت»، «وجل»، «فزع»، «روع»، «شفق»، «حذر» و «رهب» که همگی ترس معنا شده اند، تبیین شود. هر چند این واژه ها به ظاهر به معنای ترس، هراس و وحشت است و تفاوتی بین آنها دیده نمی شود، اما با مراجعه به منابع لغوی و تفسیری قرآن کریم و دقت در آنها، روشن می شود که تفاوت هایی میان این کلمات وجود دارد. اما با مراجعه به منابع لغوی و تفسیری قرآن کریم و دقت در آنها، روشن می شود که تفاوت هایی میان این کلمات وجود دارد که در زیر به صورت کوتاه بیان می شود:

^۱ ترجمه المیزان، ج ۱۱، ص ۴۶۹.

^۲ ر.ک. معجم الفروق اللغویه ابی الہلال عسکری و سید نور الدین جزایری- تفسیر المیزان ج ۱۷ ذیل آیه ۲۸ سوره فاطر و تفسیر نمونه ج ۲۷ ص

1. «خَوْف»: زمانی که انسان با یک ضرری که مشکوک بوده و به جهت نشانه‌هایی گمان به واقع شدن آن در آینده وجود دارد، روبرو شود، اضطراب پیدا کرده و آرامش خود را از دست می‌دهد که به این حالت خوف می‌گویند.¹

2. «حَذَر»: یعنی پرهیز و دوری کردن از چیز ترسناک و هراس آور.² با مراجعه به موارد استعمال این واژه خواهیم دید که به معنای ترس نیست، بلکه به معنای پرهیز و احتیاط از خطر آینده است؛³ مانند آیه «يَحْشَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعُدُو فَاخَذَرَهُمْ»⁴؛ هر فریاد را بر علیه خود گمان می‌کنند آنها دشمن اند پس از آنها بپرهیز. پس، با توجه به آنچه در معنای خوف گفته شد، ارتباط حذر با ترس در پرهیز و دوری از چیزی است که شخص از آن می‌ترسد.

3. «رَهَب»: اگر همان ترسی که در خوف گفته شد، ادامه پیدا کرد و استمرار داشت، به آن رهب گفته می‌شود. از این رو، به کسی که این حالت خوف را در خود تداوم می‌بخشد، «راهب» گویند.⁵

4. «فَزَع»: اگر ترس و آثار آن در انسان به طور ناگهانی ایجاد شده و فرد نتواند آن را تحمل کند، این حالت را فَزَع می‌نامند⁶ که نوعی بی‌تابی است.⁷

5. «خَشِيَت»: مراقبت و نگهداری نفس به همراه خوف و ترس را خشیت نامند.⁸ به بیان دیگر؛ خشیت ترسی است که با تعظیم و بزرگداشت چیزی همراه است و بیشتر این حالت از راه علم و آگاهی نسبت به چیزی که از آن خشیت و بیم هست، حاصل می‌شود.⁹ در برابر خشیت اهمال کاری، غفلت و بی‌مبالاتی است.¹⁰

¹ - ر.ک: مصطفوی، حسن، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج 3، ص 144 و 145، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360 ش؛ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: داودی، صفوان عدنان، ص 303، دارالعلم، الدار الشامیة، دمشق، بیروت، چاپ اول، 1412 ق.
² - المفردات فی غریب القرآن، ص 223؛ فیومی، احمد بن محمد مقرئ، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ج 2، ص 126، منشورات دار الرضی، قم، چاپ اول، بی تا.

³ - قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ج 2، ص 113، دار الکتب الإسلامیة، تهران، چاپ ششم، 1371 ش.

⁴ - منافقون، 4.

⁵ - التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج 3، ص 145.

⁶ - همان.

⁷ - المفردات فی غریب القرآن، ص 635.

⁸ - التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج 3، ص 64.

⁹ - المفردات فی غریب القرآن، ص 283.

¹⁰ - التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج 3، ص 64.

6. «وَجَلَّ»؛ یعنی شعور و درک ترس و خوف.¹ به دیگر سخن؛ وجل، حالت و احساسی است در انسان بر خلاف طُمأنینه و آرامش نفس که قلب انسان به غَلَّیان می افتد و آرامش خود را از دست می دهد.² هر چند وجل به معنای خوف نیست، اما در مفهوم با هم شبیه اند؛ زیرا هر دو موجب اضطراب می شوند و استفاده از وجل در مورد ترس استعاره است.³

7. «رَوَعَ»: ترس سبک و خفیفی است که بر قلب چیره می شود، روع می گویند؛ خواه این که این حالت در اثر فزع و بی تابی باشد و یا این که به جهت شگفتی در جمال و کمال باشد.⁴

8. «شَفَقَ»: معنای این واژه، روشنائی آخر روز است که به هنگام غروب خورشید با تاریکی شب مخلوط می شود.⁵ همچنین به معنای یک نوع توجه و علاقه و عنایتی است که با خوف همراه باشد.⁶ چرا که شخص مشفق آن چیزی را که از آن می ترسد در بیشتر مواقع، او را دوست هم دارد. نکته دیگر این که: هر گاه کلمه «مشفق» به وسیله «مِن» به متعدی شود معنای خوف در آن ظاهرتر است، اما هر گاه به وسیله «فی» متعدی گردد، معنای علاقه و عنایت در آن بیشتر خواهد بود.⁷

برخی نیز گفته اند: شفق، به معنای خوف نیست، بلکه امر جامعی است بین رخوت، دَقَّت و ضعف؛ در مقابل شدت، غلظت و قوَّت. و فرقی نیست که در امور مادی باشد یا در امور معنوی.⁸

نتیجه آنکه از میان این کلمات فقط کلمات خوف، رهب، فزع و روع به معنای ترس و مراتب آن آمده است، اما کلمات حذر، خشیت، وجل و شفق به معنای ترس نیستند، بلکه به نوعی با ترس در ارتباط اند.

¹ - المفردات فی غریب القرآن، ص 855

² - التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج 13، ص 42.

³ - همان، ص 44.

⁴ - همان، ج 4، ص 280؛ و ر.ک: فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ج 2، ص 242، انتشارات هجرت، قم، چاپ دوم، 1410ق؛ طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، ج 4، ص 340 و 341، کتابفروشی مرتضوی، تهران، چاپ سوم، 1375ش.

⁵ - مجمع البحرین، ج 5، ص 192؛ المفردات فی غریب القرآن، ص 458.

⁶ - ر.ک: ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج 10، ص 180، دار صادر، بیروت، چاپ سوم، 1414ق؛ المفردات فی غریب القرآن، ص 458.

⁷ - المفردات فی غریب القرآن، ص 459.

⁸ - التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج 6، ص 86.

نتیجه

خشیت در نزد اهل لغت به معنای خوف و ترس است. از بررسی کاربردهای مختلف واژه خشیت در قرآن به دست می‌آید که در پاره‌ای موارد، متعلق آن اموری غیر از خدا و شئون الهی است، ولی کاربرد اصلی و متعلق خاص آن خدا و شئون الهی است که از آن به کاربرد دینی این واژه تعبیر می‌شود. براساس آیات قرآن مؤمنان سزاوارند که فقط از خداوند خشیت پیشه کنند، همچون آیه ۱۳ سوره توبه و به کفار نباید خشیت ورزید. اهل خشیت در زمره کسانی‌اند که امید هدایت‌شدنشان هست، قرآن ذکر و یادکردی برای آنان است، چنان‌که پوستشان از خواندن آن به لرزه می‌افتد، و چون خشیت ثمره معرفت است. این اهل خشیت‌اند که تذکار به یکتایی خدای آفریننده و مخلوقیت عالم را می‌پذیرند، و پیامبر آنان را هشدار می‌دهد، آمرزش و پاداشی بزرگ نصیب اهل خشیت خواهد شد، آنان رستگار شده و در بهشت جاودان خواهند آرمید. به‌جز خداوند، از روز قیامت هم باید خشیت پیشه کرد. تکبر، صفت و خصلت مقابل خشیت است لذا در قصص راجع به موسی و فرعون، موسی فرعون را به خشیت ورزیدن دعوت می‌کند و حتی خدا به موسی و برادرش هارون فرمان می‌دهد که با فرعون به نرمی سخن بگویند شاید وی تذکار پذیرد یا خشیت پیشه کند.

اهمیت خشیت به این است که در مسیر سعادت قرار گرفته است، به عبارت دیگر خشیت پیامد علم به خداوند است و مقدمه تکان خوردن قلب انسان برای تصمیم‌گیری جدی در جهت زندگی الهی.

از تفاوتی که میان خوف و خشیت می‌باشد می‌توان معنای دقیق تری از خشیت را تبیین کرد. اهل معنا برای خوف و خشیت فرقی قائل شده‌اند و گفته‌اند که خوف آن تالم و ناراحتی نفس از عقاب متوقع به سبب عمل کردن به منہیات و ارتکاب جرایم و کوتاهی کردن در طاعات می‌باشد. و این حالت خوف برای بسیاری از مردم رخ می‌دهد اگر چه آن مراتب اعلی و درجات والای آن تنها برای گروهی اندک حاصل می‌شود.

نتیجه آنکه از میان این کلمات فقط کلمات خوف، رهب، فزع و روع به معنای ترس و مراتب آن آمده است، اما کلمات حذر، خشیت، وجل و شفق به معنای ترس نیستند، بلکه به نوعی با ترس در ارتباط‌اند.

فهرست منابع

- قرآن

- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج 10، ص 180، دار صادر، بیروت، چاپ سوم، 1414ق

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: داودی، صفوان عدنان، دارالعلم، الدار الشامیة، دمشق، بیروت، چاپ اول، 1412ق.

- طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، ج 4، ص 340 و 341، کتابفروشی مرتضوی، تهران، چاپ سوم، 1375ش.

- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، چاپ احمد حبیب قصیر عاملی، بیروت (بی تا)

- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ج 2، ص 242، انتشارات هجرت، قم، چاپ دوم، 1410ق

- فخررازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، ذیل آیه، او، مفتاح الغیب، چاپ عماد زکی بارودی، قاهره ۲۰۰۳

- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ج 2، دار الکتب الإسلامیة، تهران، چاپ ششم، 1371ش.

- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، بیروت ۱۴۰۵/۱۹۸۵.

- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج 3، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1360ش.